

یک بررسی شناختی پیرامون نااطمینانی در
تصمیم، مخاطره‌پذیری و مخاطره‌گریزی

نااطمینانی‌شناسی و مخاطره در روابط بین‌الملل

حمید رضا ملک محمدی

شایسته برای تحقیق و بررسی به حساب می‌آید. اگرچه تصمیم‌گیری به خودی خود، یکی از حوزه‌های پراهمیت دانش مدیریت است اما به لحاظ کارکردهای دایمی آن در حوزه‌های گوناگون از جمله حوزه‌های پیش‌گفته، جایگاهی ویژه را به خود اختصاص می‌دهد. نوشتار حاضر در تلاش است تا جنبه خاص از پدیده تصمیم‌گیری یعنی نااطمینانی "Uncertainty" را براساس دو رویکرد مخاطره‌پذیری و مخاطره‌گریزی و از دیدگاه شناخت‌شناسانه مورد بررسی قرار دهد.

مقدمه

آنچه که در این نوشتار بدان پرداخته می‌شود، تلاشی برای ارائه یک دیدگاه تجویزی نیست

✓ چکیده

جهان، عرصه روابطی تنگاتنگ، پویا و پیچیده است. بشر در حال وارد شدن به عصری نوین از روابط بین‌الملل می‌باشد که قابل قیاس با هیچیک از اعصار تاریخ تمدن مدرن انسان نیست. جهان هرگز در چنین شرایطی نبوده است. موضوع روابط بین‌الملل نیز در حال تبدیل شدن به پدیده‌ای فزاینده از زندگی روزمره انسان‌ها می‌باشد. از این رهگذر، لازم است تا همگام با توسعه و تحول شرایط و مفاهیم، موضوعات مختلفی که به نوعی با روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در نگاهی کلان مرتبط می‌باشند، از جنبه‌های گوناگون، مورد واریسی قرار گیرند. در این حال، پدیده تصمیم‌گیری به عنوان یکی از جنبه‌های برجسته در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، موضوعی



بلکه مقدمه‌ای بر شناخت پدیده نااطمینانی و چگونگی تأثیرگذاری آن بر تصمیم‌گیری به ویژه در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی با تأکید بر دو رویکرد مخاطره‌پذیری و مخاطره‌گریزی می‌باشد. در این حال، هر چند برخی از محققان و اندیشمندان کوشیده‌اند تا دو رویکرد پیش گفته را از خلال نظریاتی خاص مانند نظریه انتظار تحلیل نمایند، اما در نگاهی عمیق‌تر، روشن می‌شود که هم این نظریه و هم رویکردهای مخاطره‌پذیری و مخاطره‌گریزی، در دایره‌ای وسیع‌تر با عنوان پدیده نااطمینانی معنایی شفاف‌تر می‌یابند. با این همه، پدیده نااطمینانی، خود نیازمند بررسی و شناخت است که در این مجال بدان پرداخته خواهد شد.

الف. مخاطره‌پذیری و مخاطره‌گریزی؛ در جستجوی یک چارچوب

نظریه‌های مربوط به پدیده مخاطره‌پذیری و مخاطره‌گریزی در اغلب مطالعات و تحقیقات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، به ویژه در عرصه تصمیم‌گیری ظاهر می‌گردند. گستره وسیع چنین ظهوری شاید از آن روی باشد که این مسأله، مواردی حساس را در درون خود جای می‌دهد. برای مثال کنشی بیش از اندازه متهورانه، ممکن است به جنگ منتهی شود و یا دوری از انجام عملی با مخاطره‌ای متوسط، مانع از دستیابی به منفعتی بزرگ گردد. از سوی دیگر، جذابیت پدیده مخاطره‌پذیری و مخاطره‌گریزی، بدان خاطرست که پیونددهنده دورویکرد اساسی به یکدیگر می‌باشد یعنی هم

به رهبران و تصمیم‌گیرندگان این امکان را می‌دهد تا از روش‌های تصمیم‌گیری متفاوت بهره‌جویند و هم اینکه به شکلی پایا، به عنوان جویندگان محاسبه‌گر هدف، عمل کنند.^۱ امروزه جستجوی روزافزونی برای یافتن مدل‌های تقریباً منطقی^۲ انتخاب، در جریان است. نویسندگان و محققانی نیز وجود دارند که به بررسی تطبیقی این نظریات می‌پردازند که خود، نتایج قابل توجهی را به دست می‌دهد.^۳ یکی از نظریاتی که در این مجموعه مطرح شده، "نظریه انتظار" است که از راه عمومی کردن سود مورد انتظار، در پی تفسیر رفتار فرد تصمیم‌گیرنده می‌باشد. نظریه یاد شده، پیش‌تر توسط "کانمن" و "تورسکی" بیان شده بود.^۴

این دو دانشمند، در پی علاقمندی به فهم این که انسان در چه شرایطی به سوی تصمیم محافظه‌کارانه می‌رود و چه هنگام رویکرد مخاطره‌پذیری را برمی‌گزیند، نظریه انتظار را مطرح می‌نمایند. بر اساس این نظریه، تصمیم‌گیرنده زمانی دست به انتخاب می‌زند که بیشترین حد سودمندی ذهنی برای او تحقق یافته باشد، اما اینکه این بیشترین میزان، تحقق

۱- برای مثال خروشچف، فردی مخاطره‌پذیر بود و برژنف فردی مخاطره‌گریز.

2- Almost Rational

3- C. Camerer, "Individual Decision Making", in Handbook of Experimental Economics, edited by J.Kagel and A.E.Roth (Princeton University Press, 1995) PP.587-703

4- D. Kahneman and A. Tversky, "Prospect Theory: An Analysis of Decision under Risk", Econometrica, (1979).

عینی پیدا کند یا خیر، در تصمیم اولیه نقش زیادی نخواهد داشت. محور دیگری که این نظریه بر آن تأکید دارد آن است که انتظار یک ضرر، بسیار بیشتر از انتظار یک فایده، بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد. به بیانی دیگر، اندوه ناشی از گم کردن یک شیء قیمتی بسیار بیشتر از لذت ناشی از به دست آوردن یک شیء گرانبه‌است و برآیند رویارویی این دو حالت به تصمیم‌گیری می‌انجامد. نظریه انتظار، اگرچه از زمان پیدایش تاکنون مورد توجه زیادی قرار گرفته و در عرصه‌هایی مختلف از جمله روابط بین‌الملل، به کار بسته شده است اما مفاهیم مورد نظر در این نظریه و تلاش برای تطابق آن بر شرایطی که منجر به پذیرش رویکردهای مخاطره‌پذیری یا مخاطره‌گریزی می‌شود، حکایت از آن دارد که برای دستیابی به پاسخ‌هایی دقیق‌تر باید عمیق‌تر اندیشید و در لایه‌ای ژرف‌تر به جستجو پرداخت. در این لایه عمیق‌تر، مسأله سودمند بودن یا نبودن و پذیرش رویکرد مخاطره‌پذیری یا مخاطره‌گریزی از منظر پدیده‌ای دیگر با عنوان "نااطمینانی" مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد.

ب. شناخت نااطمینانی

نااطمینانی، هم عذاب‌آور است و هم انگیزه‌زا. ترس‌های انسانی و خواسته‌های او، که از نظر "هابس"، دو میل اصلی انسان تلقی می‌شوند^۵ و بسیاری دیگر از جنبه‌های حیات، با نااطمینانی در ارتباط هستند. کنش‌های انسانی در بسیاری مواقع، به واسطه نااطمینانی شکل می‌گیرد و این نااطمینانی‌ها، شالوده بسیاری از تصمیمات را بنا

می‌نهند. اگر نااطمینانی وجود نداشت، تصمیم‌گیری‌ها شکل دیگری به خود می‌گرفت. امروزه، ردپای تحقیقات مربوط به نااطمینانی را در مواردی گوناگون از جمله تصمیم‌گیری^۶، نظریه‌های سازمانی^۷، روانشناسی^۸، علوم پزشکی^۹ و بسیاری دیگر از علوم می‌توان یافت. اما به رغم تمامی تحقیقاتی که در زمینه نااطمینانی وجود دارد و به رغم جنبه‌های زندگی-شمول این پدیده، نظریه‌ای عمومی در این زمینه وجود ندارد. بحث‌های "جفری و بر" در زمینه نااطمینانی در حوزه‌هایی مانند تجارت، سیاستگذاری عمومی و نظریه سازمانی، به‌خوبی از شکاف موجود در ادبیات مربوط به نااطمینانی و پراکندگی بحث‌های آن، پرده برمی‌دارد^{۱۰}. "کی برگ" نیز

۵- و.ت. جونز، خداوندان اندیشه سیاسی ترجمه علی رامین، ج ۲، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲)، صص ۱۱۱-۱۱۰.

6- D. Ghosh and C. Terry, "Structure of Uncertainty and Decision Making: An Experimental Investigation," **Decision science journal**, 24 (4), (1993).

7- F.J. Milliken, "Three Types of Perceived Uncertainty about the Environment: State, Effect and Response Uncertainty", **Academy of Management Review**, 12, (1987).

8- H.J. Einhorn and R.M. Hograth, "Confidence in Judgment: Persistence in the Illusion of Validity", **Psychological Review**, 85, (1978).

9- E. Shoriffe and D.E. Heckman, "From Certainty Factors to Belief Networks", **Artificial Intelligence in Medicine**, 4, (1992).

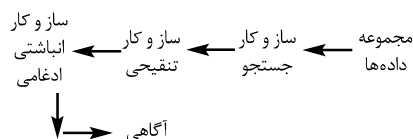
10- J. Weber, "Certainty and Uncertainty in Decision Making: A Conceptualization", in **Public Budgeting and Finance**, edited by R. Golembiewsk and J. Rabin, (New York, 1997), PP. 449-473.



در تحقیقی دیگر به این نتیجه رسیده است که در زمینه نااطمینانی باید تحقیقات بیشتری صورت پذیرد و نظریه‌ای عمومی در این زمینه^{۱۱} بوجود آید تا پیکره‌های متعدد و گوناگونی از آگاهی که از خلال تلاش در عرصه‌های گوناگون بوجود آمده‌اند، به صورت پراکنده و جدای از هم باقی نمانند. مطالعه نااطمینانی، به ویژه زمانی که در حوزه روابط بین الملل و تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست خارجی قرار می‌گیرد، ارزشی افزون‌تر می‌یابد زیرا کارکرد مجموعه‌ای از دانش‌های مربوط به مدیریت استراتژیک، سازماندهی، بازیگری و... در گرو برخوردی مناسب با این پدیده است.

اما برای آنکه بتوان به شکلی دقیق‌تر وارد حوزه فهم نااطمینانی شد، لازم است تا به گونه‌ای تقسیم‌بندی در این زمینه پرداخته شود. در این حال باید از دو محدوده یعنی محدوده آگاهی و محدوده بازیگر و چهار نوع نااطمینانی یعنی نااطمینانی موقت، نااطمینانی فیزیولوژیکی، نااطمینانی روانشناختی و نااطمینانی جامعه‌شناختی سخن گفت. پیش از ورود در این بحث، اشاره به این نکته ضروری است که نااطمینانی موقت در محدوده آگاهی عمل می‌کند و نااطمینانی‌های سه گانه دیگر در محدوده بازیگر عمل می‌نماید.

محدوده آگاهی، شامل تمام آگاهی‌هایی است که از ابتدا و در تمام طول تاریخ، به دست آمده است. این محدوده، مستقل از یک بازیگر واحد می‌باشد زیرا حاصل جمع تمامی حوادثی است که



از این رهگذر، "کوک" معتقد است که جستجوی داده‌ها، فعالیتی دایمی و مستقیم است و انسان از طریق حواس پنجگانه، داده‌ها را گرفته و توسط مغز پردازش می‌نماید^{۱۶}. بعد از سازوکار

- 11- H.Kyburg, "Uncertain Inferences and Uncertain Conclusions, Twelfth Conference on Uncertainty", **Artificial Intelligence**, (1996), PP. 365-372.
- 12- Search Mechanism
- 13- Filter Mechanism
- 14- Compiling and Integration
- 15- W.A. Pasmore, *Designing Effective Organizations: the Socio-Technical Systems Perspective*, (New York, NY: John Wiley and Sons, 1989).
- 16- G.J.cook, "An Empirical Investigation of Information Search Strategies with Implications for Decision Support System Design", **Decision Science Journal**, 24 (3), 1993, PP. 683-698.

جستجو، سازوکار تنقیحی یا پاکسازی است که در ضمن آن، داده‌ها جرح و تعدیل می‌شوند و برخی حذف شده و برخی دیگر عبور می‌کنند. پس از عبور داده‌های پاکسازی شده، عملیات طبقه‌بندی آغاز می‌گردد و داده‌ها منظم می‌شوند. سرانجام، این داده‌های منظم شده با دیگر داده‌های موجود ادغام شده و به صورت اطلاعات درمی‌آیند و در متن آگاهی‌های موجود قرار می‌گیرند. حاصل جمع تمام اطلاعات ادغام شده، مساوی تمام آگاهی‌های فرد است. اینک که از دو محدوده آگاهی و محدوده بازیگر سخن گفتیم، به این نکته نیز باید اشاره نمود که محدوده آگاهی، محدوده‌ای ماورای طبیعی (متافیزیکی) است در حالی که محدوده بازیگر، محدوده‌ای شناخت‌شناسانه (اپیستمولوژیکی) می‌باشد.^{۱۷}

همچنین، آگاهی را می‌توان شامل دو حوزه شناخته‌ها^{۱۸} و ناشناخته‌ها^{۱۹} دانست. ناشناخته‌ها، بخشی از داده‌ها و اطلاعات هستند که وجود دارند اما هنوز ثبت نشده‌اند یا آنکه ثبت شده‌اند ولی در طی زمان از میان رفته‌اند یا به رغم اطلاع از وجودشان، از ماهیت آنها اطلاع درستی در دست نیست. اینک پس از بررسی دو محدوده آگاهی و بازیگر، باید از چهار گونه نااطمینانی‌های یاد شده سخن گفت.

۱-۲. نااطمینانی موقت

نااطمینانی موقت، تأثیر زمان بر آگاهی است. به بیانی دیگر، زمان می‌تواند به وجودآورنده نوعی نااطمینانی باشد زیرا یک بازیگر، برای آنکه در

جریان فرآیندها قرار گیرد و آگاهی لازم را کسب نماید، نیازمند زمان است. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که محدوده بازیگر در درون بخش شناخته‌های آگاهی عمل می‌کند. البته این محدوده را می‌توان تا آینده نیز کشاند اما بدان دلیل که آینده، عرصه حدس‌ها و گمان‌هاست، لذا در حوزه ناشناخته‌ها باقی می‌ماند. توان حدس زدن آینده، یعنی حدس در مورد ناشناخته‌ها، ممکن است از دو طریق امکان‌پذیر باشد:

الف- استفاده از شناخته‌های مربوط به زمان گذشته و حال و فرا افکندن آن به آینده.

ب- به کمک روش الهام.

فرا افکندن شناخته‌ها به زمان آینده، کارکرد احتمالات، منطق و تخیل است. فرد از طریق استدلال‌های قیاسی، استقرایی و تمثیلی قادر است منطقی‌ترین احتمالات مربوط به روی دادن حوادث را به آینده منتقل نماید. تخیل نیز ساز و کاری منحصر به فرد برای این منظور به حساب می‌آید.

اما الهام با آنچه که گفته شد، تفاوت دارد زیرا متکی به زمان نیست و بر استدلال‌های قیاسی، استقرایی و تمثیلی استوار نمی‌باشد و بدین ترتیب، شکلی از آگاهی پیچیده محسوب می‌شود.

۲-۲. نااطمینانی فیزیولوژیکی

نااطمینانی فیزیولوژیکی در درون محدوده بازیگر وجود دارد. ساخت فیزیولوژیکی

17- J.A.Weber, "Aspects of Uncertainty", WWW. Pamj. Com. P.8.

18- Known

19- Unknown



نااطمینانی، شامل تأثیر کارکرد فیزیکی ارگانیسم انسانی بر توان بازیگر در دانستن و عمل کردن است. نقطه اصلی تکیه این نااطمینانی، بر حواس پنجگانه، توانایی‌های فرد در استفاده از آنها و تأثیرات آن بر دانستن و عمل کردن فرد است. بدین ترتیب، چنانچه در هر کدام از این ساز و کارهای حسی یعنی بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه اختلالی حاصل شود، بر میزان نااطمینانی افزوده خواهد شد. هر کدام از این حواس پنجگانه، در جمع‌آوری داده‌ها^{۲۰} و فراهم آوردن زمینه ادغام آنها، با یکدیگر مشارکت می‌نمایند. به عنوان مثال، نابینایی، موجبات نوعی محدود شدن در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها را فراهم می‌آورد که در نهایت بر فرآیند پردازش مغز تأثیرگذار خواهد بود.

۳-۲. نااطمینانی روانشناختی

گونه‌ای دیگر از نااطمینانی، ساخت روانشناختی نااطمینانی است که همانند مورد پیشین، در محدوده بازیگر عمل می‌کند. نااطمینانی روانشناختی، تأثیر ادراک و استدلال بازیگر بر روی ساز و کارهای جستجو، پاکسازی، انباشت و ادغام است^{۲۱}.

نااطمینانی روانشناختی، معنای خود را در چگونگی درک یک بازیگر و شیوه استدلال او می‌یابد. به بیانی دیگر، نکته مهم در اینجا ویژگی‌های ذهنی و هوش بازیگر است. اما هوش بازیگر^{۲۲} در به دست آوردن آگاهی با محدودیت‌هایی روبروست که این محدودیت‌ها، در ارتباطی مستقیم با توانایی‌های بیولوژیکی فرد است. در این حال، از یک سومرز توانایی‌های مغز انسان مطرح است که تصمیم‌گیرنده را در دنبال کردن و تفسیر داده‌ها و تحلیل اطلاعات محدود می‌نماید و از سوی دیگر، سلامت بخش‌های مختلف مغز که اختلال در هر کدام از آنها موجب تغییر کارکردها می‌شود و بر ادراک و

نااطمینانی تحت تأثیر روایی توانایی‌های زیستی (بیولوژیکی) انسان در زمینه ساز و کارهای جستجو، پاکسازی، انباشت و ادغام قرار دارد. چنانچه هر کدام از این ساز و کارها، گرفتار یکی از ناکارایی‌های بیولوژیکی شود، منحنی نااطمینانی، سیری صعودی خواهد یافت. در این حال، این امکان وجود دارد که فرآیند جستجو به بیراهه رود یا آنکه اطلاعاتی نادرست جمع‌آوری شود. حتی این احتمال را نیز نمی‌توان از ذهن دور داشت که داده‌هایی غیر واقعی که وجود خارجی ندارند، تولید شوند. سازوکار پاکسازی نیز در حالت کژ-ساختار خود ممکن است به پاکسازی بیش از حد داده‌ها یا بالعکس، تنقیحی

20- Data

21- Ibid., P.9

22- Actor's Intelligence

استدلال بازیگر اثر می‌کند. ادراک و استدلال نیز بر بخش‌های جستجو، پاکسازی، انباشت و ادغام تأثیر می‌گذارند.

چنین اشکالات و معایبی را در سطح گروهی و سازمانی می‌توان رفع نمود زیرا گروه‌ها و سازمان‌ها، توانایی جذب و جایگزینی افراد را دارا هستند. بنابراین ضعف یک فرد، ممکن است از طریق جایگزینی وی توسط فردی توانمند، جبران شود که خود بستگی به سازوکارهای درون-سازمانی دارد. اما این مسأله یعنی اختلالات یاد شده، در سطح فردی، بویژه در زمینه محدودیت‌های هوشی، به سادگی قابل رفع نخواهد بود. زیرا تغییر عوامل و سازوکارهایی که به بالا بردن توان هوشی فرد بازیگر می‌انجامد، خود به ده‌ها و صدها مؤلفه و متغیر فردی، اجتماعی، روانی، محیطی و ... بستگی دارند که در بستر زمان عمل می‌نمایند و هر کدام، جزیی از مجموعه‌های پیچیده و مرکب هستند. از این رو، تلاش برای اصلاح اختلالات یاد شده، تلاشی با محدودیت‌های فراوان و نتایج نامطمین خواهد بود.

۴-۲. نااطمینانی جامعه‌شناختی

نااطمینانی جامعه‌شناختی به باور "بارنارد" هم‌کنش و تعامل میان افراد در درون گروه‌ها یا سازمان‌ها و کل واحد اجتماعی با بازیگراست^{۲۳}. تعامل‌های اجتماعی ممکن است به دو صورت ناخواسته یا خواسته ظاهر شود.

هم‌کنش ناخواسته شامل هنجارهای اجتماعی است که بر روی سازوکارهای جستجو

و پاکسازی تصمیم‌گیرندگان تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، بسیاری از هنجارها می‌توانند برای مدت‌هایی مدید به عنوان هادیان ناشناس و ناخودآگاه عمل فردی یا گروهی تلقی شوند. بنابراین یک بازیگر (تصمیم‌گیرنده) ممکن است به صورت مستقیم و ناخودآگاه و تحت تأثیر هنجارهای یاد شده، بر برخی داده‌ها تأکید نماید و برخی دیگر را چشم‌پوشی کند.

اینکه داده‌ها چگونه انباشت شوند نیز تحت تأثیر هنجارها، عادات و سنت‌های بازیگر (تصمیم‌گیرنده) است. بازیگران می‌توانند داده‌ها را از زوایای گوناگونی که خود، ساخته هنجارها و عادات هستند، مورد توجه قرار دهند. این مسأله نشان می‌دهد که چگونه بازیگران مختلف ممکن است از اطلاعات و داده‌هایی یکسان به نتایجی متفاوت دست یابند.

هم‌کنش خواسته، شامل قوانین، مقررات و قواعد رسمی می‌شود که کنش بازیگر را تحت کنترل قرار می‌دهد و می‌تواند بر روی سازوکارهایی مانند عمل جستجو، اثر بگذارد.

بدین ترتیب نااطمینانی جامعه‌شناختی موجب می‌شود تا یک بازیگر به دلایلی همچون هنجارها، عادات و رسوم اجتماعی، قوانین، مقررات و ... در زمینه تصمیم‌گیری خویش به صورت خواسته یا ناخواسته دچار تردید گشته و به گونه‌ای خاص به تصمیم‌گیری بپردازد.

23- C. Barnard, *The Function of the Executive*, (Cambridge: Harvard University Press, 1938), P.41.



۳. از نااطمینانی تا مخاطره‌پذیری و مخاطره‌گریزی

اینک روشن می‌شود که مجموعه یاد شده از نااطمینانی‌ها که در محدوده آگاهی و بازیگر عمل می‌کند تأییراتی گسترده را بر فرد تصمیم‌گیرنده بر جای می‌گذارد. مخاطره‌پذیری یا مخاطره‌گریزی محصول تصمیم انسان در موردی خاص است و از آنجایی که فرآیند تصمیم‌سازی و به دنبال آن اتخاذ تصمیم دارای رابطه‌ای مستقیم با اطمینان یا عدم اطمینان تصمیم‌گیرنده از فرجام کار و پیامدهای ناشی از آن است، لذا نااطمینانی‌ها شالوده برنتابیدن بسیاری از مخاطره‌گریزی‌ها را پی می‌ریزد. این پدیده، در عرصه روابط بین‌الملل و به ویژه سیاست خارجی که حوزه‌ای کاملاً مرتبط با تصمیم‌گیری است، نمودی شفاف می‌یابد زیرا نااطمینانی‌ها، منشأ مخاطره‌گریزی‌های بسیاری می‌شود که محصول آن، جز از دست رفتن فرصت‌ها و ضرورت هزینه‌های بیشتر نخواهد بود. از سوی دیگر، زمانی که این مخاطره‌گریزی‌ها، به نااطمینانی‌هایی با خاستگاه‌های فیزیولوژیکی یا روانشناختی باز گردد که بطور مشخص در محدوده فرد بازیگر عمل می‌کند، معادله هزینه-منفعت^{۲۴}، به بدترین حالت خود میل می‌کند، زیرا در این حال، اساس نااطمینانی در برداشت‌های نادرست بازیگر ریشه دارد و بر واقعی بودن شرایط و موقعیت‌ها و در پی آن، عقلانی بودن مخاطره‌گریزی دلالت نمی‌کند و بدین خاطر، از کف رفتن فرصت‌هایی

جبران‌ناپذیر و بدون بازگشت را موجب می‌گردد. پرداختن به مبحث نااطمینانی از منظر تلاش برای کاهش اثرات آن در عرصه‌های مهم تصمیم‌گیری به ویژه در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، نیازمند نگاهی کلان و کنشی فراگیر در مورد مجموعه عواملی است که از آنها سخن گفته شد. کنش‌های مقطعی یا علاج‌های موردی به دلیل پیوستگی عوامل یاد شده، از کارآیی کافی برخوردار نخواهد بود. در این حال، اگرچه عامل زمان که نقش نخستین را در نااطمینانی موقت ایفا می‌کند، از حاشیه دستکاری زیادی برخوردار نیست اما در مورد عوامل دیگر، به رغم پیچیدگی‌های مربوط، راه برای برخی چاره‌جویی‌ها باز است.

کلان‌نگری و نیاز به تحلیلی فراگیر، به ویژه با توجه به تعامل سه نااطمینانی فیزیولوژیکی، روانشناختی و جامعه‌شناختی که در حوزه بازیگر (تصمیم‌گیرنده) عمل می‌نماید و هر سه در مجموع بر بستر زمان سوارند، بیش از پیش جلوه می‌کند. در این حال، تغییرات جزئی و موردی بدون توجه به بخش‌های دیگر ممکن است در برخی موارد تعادل شکن و ثبات‌زدا به حساب آید و بر کارکرد کلی سیستم، تأثیر منفی بگذارد. نمودار زیر، نحوه کارکرد عوامل پیش گفته را در ارتباط با یکدیگر به نمایش می‌گذارد. چنان‌که از نمودار فوق برمی‌آید و به شرحی که پیش‌تر رفت، نااطمینانی موقت در ارتباط با زمان و زاییده آن است و از این رو، گذشت زمان می‌تواند به عنوان عاملی برای از میان بردن

مخاطره‌گریزی در عرصه تصمیم‌گیری در روابط بین‌الملل بود. در واقع، اهمیت این موضوع به اهمیت هزینه‌ها و منافع باز می‌گردد که بر تصمیمات حوزه روابط بین‌الملل و به ویژه سیاست خارجی مترتب است.

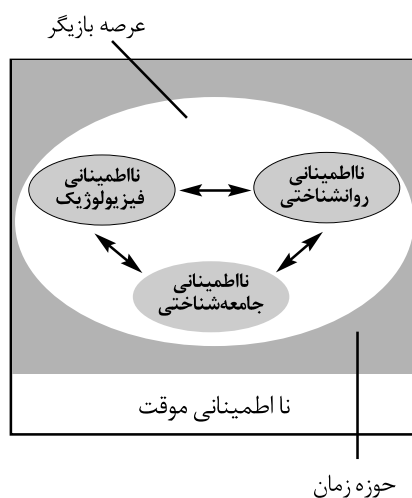
این نوشتار اگرچه رویکردی تجویزی را مدنظر ندارد اما گسترش پرداختن به بحث‌های این‌چنینی در این حوزه و حوزه‌های مشابه، می‌تواند خطوط راهنمای کلی و قابل اعتمادی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار دهد.

در این حال، اگرچه نویسندگان مختلف به بررسی تصمیم‌گیری در شرایط نااطمینانی پرداخته‌اند و شیوه‌های انتخاب چندگانه‌ای را با استفاده از مدل‌های کمی و ریاضی برشمرده‌اند^{۲۳} اما بحث از اساس نااطمینانی و تلاش برای کاستن آن و افزایش میزان مخاطره‌پذیری تصمیم‌گیرندگان، بحثی است که در سطحی بالاتر جریان می‌یابد. پدیده نااطمینانی‌شناسی به همراه عوامل ایجادکننده آن، نخستین گام در زدودن نااطمینانی یا کاستن از میزان آن با هدف ازدست ندادن فرصت‌ها در عرصه روابط پیچیده جهان امروز به حساب می‌آید.

^{۲۳} به عنوان مثال، تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان می‌تواند همراه با شیوه انتخاب حداکثر حداکثرها Maximax، شیوه انتخاب حداقلها Maximin یا شیوه انتخاب با فرض احتمال یکسان باشد.

این شیوه‌ها، زمانی که در موردی خاص به آزمون گذارده شوند، قادرند بهترین و بدترین نتایج را در شقوق مختلف نشان دهند. برای مطالعه بیشتر رک: سیدمهدی الوانی، "تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی"، (تهران: سمت، ۱۳۷۶)، صص ۶۲-۶۰.

برخی نااطمینانی‌ها عمل نماید اما سه گونه از نااطمینانی‌ها، در درون محدوده بازیگر که تصمیم‌گیرنده نیز هست، عمل می‌کند. این نااطمینانی‌ها می‌توانند دارای روابط رفت و برگشتی بایکدیگر باشند که در این صورت هر کدام به تقویت دیگری منجر خواهد شد. یک تصمیم خوب، مستلزم شناخت نااطمینانی‌هاست و شناخت نااطمینانی و اقدام برای کاستن از میزان آن، شناختی چند وجهی و اقدامی چند جانبه خواهد بود که توجه بدان، ارتباطی مستقیم با میزان موفقیت حاصله در کاهش نااطمینانی دارد.



فرجام

آنچه در این نوشتار مورد کندوکاو قرار گرفت، مقدمه‌ای تحلیلی بر شناخت پدیده نااطمینانی با تکیه بر رویکردهای مخاطره‌پذیری و